

۲۰۱۲/۰۹/۲۸

ارسالی امان معاشر

رفتن به حج و حقوق مردم

در سال های نود میلادی مردم افغانستان یک خشکسالی را گذشتاند و در قریه ای که ما زندگی میکردیم در یک هفته دو تن از همسایگان ما مریض شدند و بخاطر نداشتن ده دالر که ارزش دو خریطه سیروم بود وفات کردند.

میگفتند یکنوع مرض "ابوبه" آمده که در افغانستان آنرا دامنه میگویند، مریض دهن و دامن می شود و آب بدنش خشک میگردد. اگر به موقع سیروم تطبیق گردد مریض صحت خود را باز می یابد و در غیر آن "ابوبه" جان انسان را میگیرد.



در همان سال از آن قریه چند نفر به خاطر ادای حج با مصرف ۳۰۰۰ دالر به سعودی رفتند. در رابطه ملا های مسجد و بزرگان قریه تبلیغ اجرای حج را به همه می نمودند و طرق ادای حج را مردم می آموختند و رفتن به حج را گشودن دروازه جنت بر روی حاجی وانمود میکردند.

گذشت آن سال نکبت بار داستانهای غم انگیز بجا گذاشت. در زمان حاکمیت نکبتبار و بی خاصیت طالبان نیز خشکسالی بالای سر مردم بار دیگر سایه افگند و به حیات مردم فقیر و نادار ما رنج و عذاب زندگی برانداز آفرید.

باشندگان محل ما خاطرات این روز های سخت و رنج آور را فراموش نمیکنند و ما که در آن محل نبودیم حین بازدید، رنج و عذابی را که مردم دیده بودند، به ما حکایت کردند که موی را از شنیدن آن در بدن راست میکرد.

یک باشنده قریه حکایه میکند: "از قدیم الایام مالداري و رمه گوسفند در کوه داشتیم. خشکسالی آمد، هیچ باران نشد، از زمین و آسمان خاک می بارید. چوپان های ما از نابود شدن پیهم گوسفندان خبر دادند. من رفتم به کوهی که گوسفندان ما در آنجا می چریدند. در حدود ۲۰۰۰ رأس گوسفند داشتیم که بیشتر آنها تا رسیدن من هلاک شده بودند. من صحنه مردن گوسفند ها را میدیدم که توان بغ زدن نداشتند.

مردم محل خود از داشتن خوردنی برای خود عاجز بودند. گوسفندان که از فرط گرسنگی می مُردند به جز از پوست و استخوان چیزی نداشتند. تعدادی از گوسفندان را به دو تریلر تراکتور بار کرده به شهر آوردیم و تا آمدن به شهر از نصف بیشتر آنها نیز نابود شدند. در شهر کسی به آنها خریدار نشد از دلسوزی تعدادی از آنها را به یک مسجد بردم تا رایگان به یگان کس بدهم. روز جمعه بود قبل از اینکه من ابلاغ کنم که مسلمانان هرکس که ضرورت دارد و توان نگاهداری همین گوسفندان را دارند رایگان بگیرند؛ ملای مسجد اعلان کرد که پدری سه کودک گرسنه خود را که توان نگاه کردن را ندارد آورده است، اگر کسی ثوابی با خود میبرد، ببرد. بعد از گفت و گو ها اشخاصی پیدا شدند که آنها را با خود ببرند.

من هم گوسفندان خود را که همچو فرزندان دوست داشتم به آنها می گریستم. جانوران تا لحظه جان دادن به طرف من با چشم امید می نگرستند و از چشمهای من هم اشک جاری میشد. ملای مسجد اعلان دیگری کرد، دو نفر نیت رفتن حج عمره به خانه خدا را نموده اند برایشان دعا کنید. بعضی ها یگان پوش قرآن و نذر که قبلاً در نظر داشتند به دو کاندیدای حاجی صاحبان دادند تا به خانه کعبه برسانند. ملای مسجد سفر بخیر و عافیت را به آنها طلبید."

من در کانادا زندگی دارم چندین نامه برایم رسید که نوشته بودند: « مسجد را جای بزنس ساختند که مغایر هدایت دین و فرمایش الهی است». به آدرس داده شده رفتم بعد از ادای نماز جمعه دیدم یکتعداد جوانان هم از پسر و دختر آمده بودند تا نکاح اسلامی و شرعی را عقد نمایند که به نوبت داخل محل نکاح نزد ملای مسجد میشدند و بعد از عقد نکاح با شادی و خوشی از دروازه مسجد می برآمدند. من گفتم کار خوب است موافق هدایت دین اسلام این عقد صورت می گرفت و خانواده های انسانی تشکیل میگردد و توافق میان دختر و پسر در اسلام رکن اساسی ازدواج است و ایجاب و قبول که ارکان اسلام است همین مفهوم را میدهد. اما کسی که برایم رهنمایی کرده بود گفت: نه در این جا بزنس است. گفتم چگونه بزنس میتواند باشد؟ گفت: دختران افغان که شوهر غیر اسلامی و غیر افغانی میگیرند از رضایت والدین می پرسند و میگویند: یکمقدار پول به مسجد کمک کنند صواب شان میشود. من گفتم: "این کار بد نیست مسجد جای مقدس است؛ میشه یک مقدار پول از این مدرک جمع آوری گردد به موسسه های خیریه

دیانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

و یا مهاجران که زیر خیمه ها در کابل هستند، کمک شود." در همین صحبت کسی دیگری گفت: " به دیگر جا کمک میشود یا نه معلوم نیست؛ اماگاه گاهی به حج بیت الله شریف می روند".

تبلیغ از هر جایی بخصوص از رادیو- تلویزون بخاطر رفتن حج صورت میگیرد در قسمت حج فرضی برای یکمراتب تبلیغ بجا و لازمست؛ ولی در قسمت حج نقلی (تمتع و عمره) شرایط و وضع نشان میدهد که حرف اضافیست. زیرا مردم ما فقیر و محتاج دستگیری اند و رفتن به حج نقلی و مصرف کردن پول که مردم نیز در آن حق دارند به هیچ صورت درست نیست. تأسف آور اینست که از طریق رادیو تلویزون حتی در اروپا و امریکا انواع حج را همه روزه تبلیغ میکنند و نیاز مردم بیچاره را در نظر نمیگیرند و در این اعلانات یاد آور میگردند که هاتل چند ستاره بخاطر عیاشی و گذرانیدن روز های حج و موترهای نقل و انتقال تان نیز تهیه گردیده است. حالا قضاوت را به شما می گذاریم و بگوئید، که آیا دستگیری از مردم فرض و لازم است و یا رفتن به حج نقلی که صرف یک میله و سیاحت است؟.

والدین دوستم رونده حج فرضی خانه کعبه اند. آنها در هر چند سال یک مراتب به ادای حج میروند که مصرف هر یک آنان در حدود ده هزار دالر است. آنها در کانادا کار نمی کنند؛ از کمک دولت ولغیر "خیرات" پس انداز نموده حج میروند.

(طبق احصائی بانک جهانی ۲۰۰۸ زائرین افغانستان و ایرانی که بیشتر آنها افغان بوده اند و بصورت فرضی، تمتع و عمره در همان سال به مکه رفته اند ۱.۹۳۷.۰۰۰ نفر بوده که مجموعاً ۴.۸۷۹.۰۰۰.۰۰۰ دالر به بودیجه شیخ های عربستان ریخته اند. با یک حساب ساده سر انگشت بوسیله پولی که افغان ها سالانه به عربستان میروند و به مصرف میروند می توان تعداد ۱۷۰.۰۰۰ خانه در شهر ها احداث کرد. یا می توان ۷۱۴.۲۸۶ امکانات شغلی دهقانی یا ۲۰۰.۰۰۰ امکانات کاری فابریکه ها برای جوانان ایجاد کرد.)

بانک چنین مصارف را نادرست میدانند و ما نیز یاد آور میشویم که باید این مبلغ در داخل وطن و برای مردم محتاج و بیچاره ما به مصرف برسد. بر شیوخ اعراب که پول های هنگفت را غرض عیاشی در اروپا و امریکا به دختران زیبا روی می ریزند از نظر انسانی و اسلامی نادرست است.

هموطنان ماکه مهاجر شده اند اقارب و نزدیکان شان در افغانستان در وحشت جنگ، گرسنگی و انواع مرض دچار اند و از سوی تهدید سلاح انتحاری طالبان که هیچ مرز میان دوست و دشمن - ملکی و نظامی - مرد و زن را نمی شناسد؛ تن های ضعیف آنها را رنجور کرده و آنان محتاج لقمه نان و پول دارو برای درمان هستند؛ ولیک خود شان به رقابت بیشتر حج رفتن پرداخته اند و یا پول های گزاف را صرف محافل خوشی عروسی، سالگره، شب شش و غیر میکنند.

چندی قبل دوستم که خودش توان کار را ندارد و شخص موسفیدی است از مصرف ۲۰۰۰۰۰ دالر عروسی با حشمت پسرش خبر داد.

ای دوست و ای هموطن !

نجات مریضان و کمک به محتاجان یک فریضه و افتخار است!

بزرگان پیشین ما چی نیکو گفته اند:

دل بدست آر که حج اکبر است از هزاران کعبه یک دل بهتر است
کعبه تعمیر "خلیل آنر" است دل نظرگاه "جلیل داور" است

حضرت خواجه عبدالله انصار فرموده است:

در راه خدا دو کعبه آمد حاصل یک کعبه صورت و یکی کعبه دل
تا بتوانی زیارت دل ها کن کافزون ز هزار کعبه باشد یک دل

مولانا جلال الدین بلخی این شخصیت نامی علم و ادب می فرماید:

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید معشوق همین جاست بیایید بیایید
معشوق تو همسایه دیوار به دیوار دربادیه سرگشته شما درچه هوایید
گر صورت بیصورت معشوق ببینید هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شمایید

(کلیات شمس تبریزی - ج ۱ ، ص ۲۳۸)

این درس ارزشمند حضرت سعدی را همه بخاطر دارند که میفرماید:

د پانو شمیره: له ۲ تر 3

که در آفرش ز یک جوهرند
دیگر عضو ها را نماند قرار
نشانید که نامت نهند آدمی

بنی آدم اعضای یک دیگرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
تو کز محنت دیگران بیغمی

جناب حاجی صاحب چند مرتبه ای و خراج چند صد هزار دالری!
بیا از خدا بترس؟ همسایه گرسنه ات را دستگیری کن که خداوند (ج) عبادت خود و کمک به فقراء را یکجا در
آغاز قرآن سوره " البقر " این گونه دستور داده است:
«وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ - ترجمه: از هر چیزی که روزی شان کردیم، به فقیران و محتاجان انفاق کنند» آیه سوم (۳)
همچنان خداوند در سوره " اضحی " می فرماید:
«فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ - وَاَمَّا اسْأَلُ فَلَا تَنْهَرْ - ترجمه: و تو یتیم را هرگز میازار و فقیر سائل را هیچگاه از دروازه
ات بدون کمک مران». (آیات ۹ - ۱۰ پاره سی ام قرآن مجید)

میدانید، شاگرد مکتب در گرما و سرما زیر چوبتره چوبی، روی زمین می نشیند؛ بیوه بیچاره و یتیمی که در کنارت
حیات بسر می برد نان خشک ندارند و شب با رنج و عذاب به خواب می روند و اطفال شان گرسنه اند.
علامه اسماعیل بلخی می فرماید:

چسان آسوده بتوان خفت "بلخی" دل همسایه گر سیلاب غم داشت

ویا مریضی که از بی درمانی و نداشتن پول دوا و درمان در محل زندگی ات جان میدهد و زندگی را پرود
میگوید، چگونه میتوان در مورد آنان بی تفاوت و غیر مسؤول باقی ماند.
خاطر خدا را در نظر بگیرد؛ بخاطر فریب مردم به حج نفلی و اضافی نرود؛ دستگیری مردم مستأصل و بیچاره
صد بار بیشتر از چنین حج، فرض است. بیایید فرض را بجا کنید و از نفل بگذرید.
از آنچه گفته آمدیم به این نتیجه می رسیم و قضاوت را نیز به شما می گذاریم که بگویید: اگر ترازویی را در میان
بگذاریم، ثواب حج نفلی را در یک پله ترازو و کمک کردن و مدد رسانیدن به یک فقیر و بیچاره و تأسیس یک
موسسه خیریه را در پله دیگر آن وزن نمایم، سبک و سنگینی پله های ترازو را محاسبه کنیم نتیجه نهایی چی
خواهد بود؟
باز هم قضاوت و انصاف بدست شما است.

مصارف یک شب شهزادگان عربستان سعودی یک میلیون دالر است. امان معاشر، خبر نگار نشریه زن

با یک کلیک بر لینک آتی یکی از شهزاده های عربی را در نایت کلبی در حال باد کردم دالر می بینید در حالیکه
در همین زمان در بغداد زیادی از کشور های اسلامی مردم از گرسنگی و بی آبی می میرند!!

<http://www.youtube.com/watch?v=qHXgK5i70mA>

<http://www.youtube.com/watch?v=QBTIBrNjKoA&feature=related>